

نقد و نظری بر شخصیت و آثار

محمد حسن اعتماد السلطنه

علی ططری



اعتماد السلطنه (صنیع الدوله)، محمد حسن

و تحقیق در این زمینه جلب نموده است. روزنامه‌ها و کتاب‌های بسیاری به نام اعتماد السلطنه به ثبت رسیده‌اند که تعدادی از آنها چاپ شده و قابل دسترسی است و شماری نیز به دلیل این که نسخه خطی و یا چاپ سنگی می‌باشند به راحتی به دست نمی‌آیند. هر دو دسته آثار (چاپ امروزی و نسخ قدیمی) در آرشیو کتابخانه‌ی شماره ۱ و ۲ مجلس شورای اسلامی موجود هستند، اما بجز کتب چاپی، در مورد نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپ سنگی اطلاع‌رسانی اندکی صورت می‌گیرد و مراجعان از وجود آنها اطلاع زیادی ندارند. به همین دلیل مشکلات عدیده‌ای در زمینه مطالعه و بررسی جهت ارایه هرچه بهتر تحقیقات پژوهشگران بوجود می‌آید.

زندگی نامه

محمد حسن خان در سال ۱۲۵۹ ه. در تهران دیده به جهان گشود. پدرش حاج علی خان مقدم

کامل به اهداف خود نایل نمی‌شدند. محمد حسن خان اعتماد السلطنه نیز از همین تحصیل کردگان بود که پس از بازگشت به ایران، فعالیت‌های فرهنگی و ادبی گسترده‌ای را آغاز نمود. به ویژه از زمانی که به وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی منصوب گردید. وی از رجال نامدار عهد ناصری است که عمده فعالیتش در زمینه امور فرهنگی و ادبی بود و در این راه کوشش بسیاری مبنول داشت. آثار و تالیفات وی که بیشتر جنبه تاریخی دارند به چهار دلیل عمده نسبت به دیگر نوشته‌هایش از اهمیت بالاتری برخوردارند:

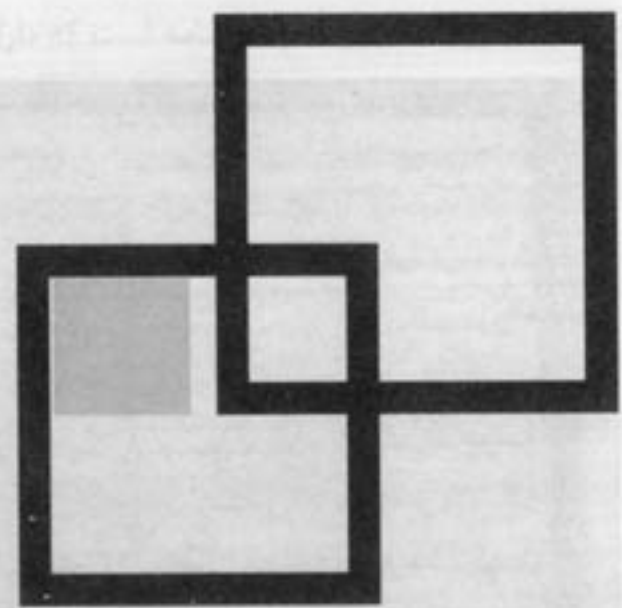
۱. این کتاب‌ها از منابع اصلی تاریخ عهد قاجاریه محسوب می‌شوند.

۲. اعتماد السلطنه برای تألیف این آثار به منابع و اسناد تاریخی (مانند فرامین حکومتی) دسترس داشته است.

۳. او نگارنده وقایعی است که خود در بطن بعضی از آن رویدادها حضور داشته و یا حداقل از مشاهدات هم عصرانش (مثل پدرش) در دگر آن حوادث بهره می‌برده است.

۴. اعتماد السلطنه در سال ۱۳۰۰ ه. ق. وزیر انطباعات و دارالترجمه دولتی گردید به همین سبب در انتخاب و به کارگیری هنرمندان خطاط، نقاش، صحاف و ... به منظور تحریر کتب و روزنامه‌ها آزادی عمل و اختیار کامل داشته است، لذا به نوعی می‌توان گفت که آثار وی معرف هنرمندان آن دوره نیز هستند.

حاصل زحمات وی مجموعه آثار ارزشمندی است که هم اکنون مورد استناد و استفاده محققین علم تاریخ، جغرافیا، رجال و غیره قرار می‌گیرد، به همین دلیل این آثار از درجه اهمیت بسیاری برخوردارند و همین امر توجه نگارنده را به بررسی



درآمد:

ایران عصر قاجار به دلیل مواجهه با تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از مهم‌ترین و جالب‌ترین ادوار تاریخی ایران به شمار می‌آید. گسترش روابط همه‌جانبه با کشورهای اروپایی به ویژه روسیه و انگلیس (در راستای اهداف استعماری آن‌ها) و علاقه‌مندی پادشاهان قاجار (به ویژه ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه) به برقراری ارتباط با این دول، بارزترین علل تحولات فوق می‌باشد. بعد فرهنگی روابط از جمله اعزام دانشجو به خارج از کشور نیز از دستاوردهای مهم دولتمردان وطن دوست عهد قجری است. محصلین اعزامی با مشاهده تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی غرب به عقب ماندگی ایران واقف می‌شدند و پس از بازگشت به وطن در رفع نقایص موجود تلاش بسیار می‌نمودند، هرچند به طور



۶

مراغه‌ای حاجب‌الدوله (فراشیاشی) ناصرالدین شاه و مادرش دختر آقاخان سردار و از نوادگان مصطفی خان، برادر آقا محمدخان قاجار بود. وی در سن ۹ سالگی وارد دارالفنون شد و در «رشته پیاده نظام» به درجانی نایل آمد. وی ضمن تحصیل و در سن ۱۲ سالگی به عنوان نوکر امیر قاسم خان ولیعهد^۱ به خدمت مشغول شد. ۱۶ ساله بود که به درجه سرهنگی و پس از آن به ترتیب به مناصب بالاتری چون نیابت حکومت خوزستان، حکومت شوشتر، معاونت وزارت عدلیه و نایب دوم سفارت ایران در پاریس ارتقا یافت. در زمان اقامت در پاریس ضمن خدمت، به تحصیل نیز پرداخت و بعد از چهار سال (۱۲۸۴ هـ.) به ایران بازگشت و در منصب پیش خدمت و مترجم حضور شاه مشغول انجام وظیفه شد. از این هنگام به بعد بود که شخصیت علمی محمد حسن خان شکل گرفت و به عنوان چهره‌ای فرهنگی شناخته شد. وی اولین گام‌های خود را در این زمینه با ترجمه مطالبی از زبان فرانسه به

فارسی برای « روزنامه ملتی » به مدیریت علی قلی اعتضادالسلطنه برداشت. سال ۱۲۸۸ هـ. ق. سال بسیار مهمی برای وی محسوب می‌شد. چرا که « رییس کل دارالطباعه و دارالترجمه دولتی » گردید و به « صنیع‌الدوله » ملقب شد. در همین سال روزنامه «ایران سلطانی» را تاسیس نمود و یک سال پس از آن «روزنامه نظامی مریخ» و در سال‌های ۱۲۹۳ و ۱۳۰۰ هـ. ق. به ترتیب «روزنامه علمی» و «روزنامه مصور «شریف» به مدیریت او انتشار یافتند. در سال ۱۲۹۸ هـ. در تهران «مکتب مشیری» را برای تدریس زبان‌های خارجی به نام میرزا حسین خان سپهسالار تاسیس کرد. لازم به ذکر است که در سال ۱۲۹۹ هـ. ق. عضو مجلس شورای دولتی و سپس به جرگه ورزا وارد شد. از دیگر مناصب او می‌توان به معاونت وزارت دادگستری و مقدم السفرا^۲ و شهردار دارالخلافه تهران (اداره احتساب) اشاره کرد. در سال ۱۳۰۰ هـ. محمد حسن خان به وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی منصوب و شغل دیگری بر

مشاغل وی افزوده شد. در سال ۱۳۰۴ هـ. به اعتمادالسلطنه ملقب گردید و در سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا سمت ریاست تشریفات یا « ایشیک آقاسی باشی گری » را به عهده داشت. محمد حسن خان، حدوداً پس از انجام ۳۰ سال خدمات فرهنگی در روز پنجشنبه ۱۸ شوال ۱۳۱۳ هـ. ق. به دلیل سکت قلبی در تهران درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.^۳

آثار و تألیفات اعتمادالسلطنه

آن گونه که پیش از این گفته شد محمد حسن خان در زمان پادشاهی ناپلئون سوم در پاریس در رشته تاریخ و جغرافیا به تحصیل پرداخت و به طور کامل بر زبان و ادبیات فرانسه مسلط گردید و در انجمن‌های علمی اروپا مثل انجمن آسیایی لندن و مجامع تاریخی و جغرافیایی روسیه و



اعتمادالسلطنه موقع نهار خوردن شاه روزنامه می‌خواند. ملیجک (عزیز السلطان) هم در کنار شاه ایستاده

فرانسه عضویت یافت. وی در بازگشت از فرانسه به عنوان مترجم حضور شاه مشغول خدمت شد و از این زمان تمام هم خویش را در ترجمه و تألیف کتب بسیاری مبذول داشت. نشریات، کتاب‌ها سالنامه‌ها، روزنامه‌ها و ترجمه‌های بسیاری با موضوعات مختلفی چون تاریخ، جغرافیا، علم رجال و علوم دینی به نام اعتمادالسلطنه بر جای مانده است. این آثار نشانگر تلاش‌های بی‌وقفه و مستمر این مرد بزرگ در عرصه علمی و فرهنگی ایران عهد ناصری و شایان توجه و ارزشمند است چرا که در دوره مذکور استبداد حکومت وقت، افکار عمومی (ذهنیت سنتی جامعه که تحت تأثیر سنت مداران از پذیرش هر فکر و نظر جدیدی بالاخص از نوع اروپایی خودداری می‌کرد) و کارشکنی‌های عمال و کارگزاران سیاسی و فرهنگی آن روز، به دلیل رقابت و چشم هم چشمی آنها نسبت به یکدیگر، موانع عظیمی در جهت فعالیت‌های علمی و فرهنگی وی ایجاد می‌کردند. البته با توجه به مطالب مندرج در روزنامه خاطرات به نظر می‌رسد که اعتمادالسلطنه حتی در صورت ایجاد موقعیتی برای احراز و کسب مناصب و مقامات سیاسی، به جز در زمان حیات پدرش که به مناصب سیاسی و نظامی مهمی دست یافت، با مشکل رقابت سیاست‌گران وقت، چون امین‌السلطان، صدراعظم ناصرالدین شاه مواجه گردید و فرصت و اجازه هیچ فعالیت سیاسی نمی‌یافت و به همین دلیل، از کانال فرهنگ و ادب وارد عمل شد. هرچند در این زمینه نیز در کمال آسایش نبود و با مشکلاتی مواجه گردید اما با فراغ بال بیشتری فعالیت نمود آن چنان که اکنون حاصل زحمات فراوان او که شامل ده‌ها کتاب در موضوعات متنوع می‌باشد، پیش روی ما است. کتاب‌ها و نوشته‌هایی که شماری از منابع اولیه دوران قاجار و به خصوص تاریخ عصر ناصری را به خود اختصاص می‌دهند که در صورت حذف آنها بخش وسیعی از تاریخ این دوره ناقص و مسکوت خواهد ماند.

از نکات مهمی که در مورد آثار اعتمادالسلطنه باید مورد توجه قرار گیرد این است که وی بی‌هیچ مشکلی به منابع اصلی (اولیه) تاریخی و اسناد حکومتی دسترسی داشت و در تألیفات خود از آنها بهره می‌گرفت. همچنین مطالب بعضی از تألیفاتش حاصل دیده‌ها و شنیده‌های خود او است به این معنی که شخصاً در زمان وقوع آن رویداد حضور داشته و یا حداقل با وجود یک واسطه از چند و چون ماجرا مطلع شده است.

در هر حال، آن چه مسلم است این که در مطالعه تمامی منابع و ماخذ تاریخی باید نگاهی نقادانه و قلمی بی‌طرف داشت و تألیفات اعتمادالسلطنه نیز از این مقوله مستثنا نیست و احتیاط، شرط لازم در بررسی آثار وی می‌باشد، زیرا از طرفی آثارش زیر نظر ناصرالدین شاه به طبع رسیده‌اند و از طرف دیگر، وی از رجال درباری بوده و به همین علت مطالب ناصحیح و غلو آمیز نیز در نوشته‌هایش کاملاً مشهود می‌باشد. با این همه عده‌ای از محققین و نویسندگان معتقدند که تمام این کتاب‌ها توسط شخص محمدحسن خان نوشته نشده‌اند بلکه به قلم زیر دستان وی و زیر نظر او تحریر یافته‌اند. این بحث که آیا تألیفات ثبت شده به نام وی، توسط شخص او نوشته شده‌اند یا خیر، توجه بسیاری از محققان را بخود جلب نموده است که در این زمینه نیز سخن خواهیم گفت. اکنون جای آن دارد که تألیفات و آثار اعتمادالسلطنه (حال یا منصوب و یا به قلم او باشند را معرفی و راجع به هر یک مختصر توضیحی ارائه گردد. این آثار به سه دسته تقسیم شده‌اند: کتب فارسی، ترجمه‌ها و روزنامه‌ها که در ذیل شرح آنها می‌آید:

الف - کتب فارسی:

۱- اسطوره اهل حق

این کتاب در زمینه « مذهب و طریقه علی الهی » در ۱۵۰ صفحه نگاشته شده و با مقدمه‌ای از دکتر ثوابی و تحقیق و بررسی ایرج بهرامی، توسط نشر آتیه به چاپ رسیده است. کتاب مزبور همچنین تحت عنوان « سه گفتار تحقیقی » در آیین اهل حق « در ۶۲ صفحه با حاشیه نویسی محمدعلی سلطانی و مریم بانون رزازیان توسط نشر سها منتشر گردیده است.

۲- التدوین فی احوال جبال شروین

این کتاب از تاریخ سواد کوه مازندران و سرگذشت آن در قرن ۱۳ ه. ق. بحث می‌کند و با نثر فارسی در ۴۹۶ صفحه توسط اعتمادالسلطنه تألیف و مصطفی احمد زاده تصحیح و انتشارات فکر روز، نشر آن را به عهده داشته است.

۳- الحجة السعاده فی حجة الشهاده

موضوع این کتاب مذهبی و در مورد واقعه کربلا و شخص امام حسین (ع) می‌باشد و به کوشش مصطفی فریدپور در ۱۸۶ صفحه و تحت حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و منتشر شده است.

۴- المآثر و الآثار

این اثر به کوشش ایرج افشار در ۳ جلد، با عنوان « چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه » توسط انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است. جلد اول شامل متن المآثر و الآثار، نوشته اعتمادالسلطنه، جلد دوم، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر مآثر و الآثار در احوال رجال دوره و دربار ناصری و جلد سوم مشتمل بر فهرست‌های چندگانه تاریخی، جغرافیایی و مدنی می‌باشد. المآثر و الآثار، به مناسبت چهلمین سال سلطنت ناصرالدین شاه نوشته شده است و در مورد حوادث و وقایع چهل ساله حکومت وی و شرح حال رجال، درباریان، زنان و اندرونی شاه، فرزندان وی، علوم و صنایعی که در مدت این چهل سال به ایران آورده شده است، ایالات و ولایات ایران، سفرای ایرانی مقیم خارج و سفرای خارجی مقیم ایران، بعضی رویدادهای مهم جهان آن روز، سفرهای شاه و... بحث نموده است.

۵- تاریخ ایران

تطابق تاریخ هجرت پیامبر اکرم (ص) با تواریخ دیگر و بیان وقایع مهم از زمان حضرت آدم (ع) تا هجرت پیامبر اکرم (ص)، موضوع این اثر اعتمادالسلطنه و در حقیقت، گاهنامه‌ای تطبیقی است که در آن از قاجارها و وزرای عهد قاجاریه نیز سخن به میان آمده است. این کتاب در یک جلد و در کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی به صورت چاپ سنگی موجود می‌باشد.

۶- تاریخ فرانسه

این کتاب به صورت چاپ سنگی و در ۱۹ صفحه به تبع رسیده است که البته کاربرد نام « جزوه » در این مورد بخاطر صفحات اندک آن صحیح‌تر به نظر می‌آید. فهرست اسامی سلاطین قاجاریه، شاهزادگان و امرای آن دوره، دایره دولت و اجزای حکومت دارالخلافه تهران و شمایی از اوضاع کشورهای اروپایی، مباحثی هستند که صفحات پایانی این جزوه را به خود اختصاص داده‌اند به همین دلیل اطلاعات جالب توجهی در مورد تاریخ قاجاریه نیز در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۷- تاریخ منتظم ناصری

این تألیف در ۳ جلد با تصحیح مرحوم دکتر محمد اسماعیل رضوانی، توسط انتشارات دنیای کتاب به چاپ رسیده است. جلد اول به ذکر حوادث عالم از اولین سال هجرت پیامبر اسلام (ص) تا سقوط خلافت عباسی پرداخته است، جلد دوم از

وقایع سال ۶۵۶ هـ. تا ابتدای حکومت قاجاریه سخن می‌گوید و جلد سوم شامل تاریخ قاجاریه از ابتدا تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه می‌باشد.

۸. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید و ایران

این اثر توسط میرهاشم محدث تصحیح و انتشارات امیرکبیر در ۲۰۴ صفحه آن را به چاپ رسانیده است و حاوی جزوه‌ای است که اعتمادالسلطنه به کتاب «درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان» یا «تاریخ اشکانیان» افزوده و مصحح نیز قسمت مربوط به شرح جغرافی دانان را از تاریخ اشکانیان گرفته و ضمیمه آن نموده است.

۹. جغرافیای طالقان

کریم هوشنگ پور اثر مزبور را به کتابی با عنوان «فشدنگ» ضمیمه نموده اما طبق سخن ایرج افشار کتاب جغرافیای طالقان هنوز به چاپ نرسیده و تنها در فهرست کتب کتابخانه ملی از آن نام برده شده است.^۵ در هر صورت، برای دسترسی به این تألیف باید به کتاب «فشدنگ» که در ۱۹۸ صفحه، توسط انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱ ش. به چاپ رسیده است، مراجعه نمود.

۱۰. حدیقه فصاحت

تاریخ ساسانیان، برگزیده‌ای از کتاب «سرگذشت خانم انگلیسی در هندوستان» و منتخبی از سفرنامه ناصرالدین شاه به اروپا (سفر اول در ۱۲۹۰ هـ.)، مطالبی هستند که در کتاب فوق درج شده‌اند. حدیقه فصاحت در سال ۱۲۸۴ هـ. ق. در کلکته به صورت چاپ سنگی و در قطع وزیری به چاپ رسید.

۱۱. خلسه

از تألیفات بسیار جالب اعتمادالسلطنه است که زیر عنوان «خوابنامه» و «اسرار انحطاط ایران» چندین بار به چاپ رسیده است. خلسه برای اولین بار در سال ۱۳۲۴ ش. طبق نسخه دست نویس محمد شهید نورایی توسط کتابفروشی زوار مشهد به چاپ رسیده است که بنا به گفته محمود کتیرایی علاوه بر «افتادگی‌ها» در «دیباچه و متن آن» اشکالات فراوانی به چشم می‌خورد.^۶ اعتمادالسلطنه در این اثر خود، محاکمه صدور عهد قاجار از اولین فرد (حاج ابراهیم خان کلانتر) تا علی اصغر خان امین‌السلطان (صدر اعظم ناصرالدین شاه و هم



اعتماد السلطنه (سنع الدوله)، محمد حسن

۱۴. روزنامه خاطرات

این اثر، مشتمل بر یادداشت‌ها و خاطرات روزانه اعتمادالسلطنه است که زیر عنوان «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» برای اولین بار در سال ۱۳۴۵ ش. توسط ایرج افشار، تصحیح و به کمک انتشارات امیرکبیر منتشر گردیده است. همچنین بخشی از خاطرات اعتمادالسلطنه با نام «وقایع یومیه» یا «یادداشت‌های اعتمادالسلطنه» در ۱۹۲ صفحه توسط انتشارات ابن سینا به چاپ رسیده است. این مجموعه خاطرات را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

بخش اول شامل مجلد قدیم می‌شود که از تاریخ ۲۹ جمادی‌الاول ۱۲۹۲ هـ. شروع و در ۱۹ محرم ۱۲۹۳ هـ. پایان می‌یابد. بعد از این مجلد، بلافاصله بخش دوم که در ۱۶ جلد طبع شده است، آغاز می‌گردد و ابتدای آن ۹ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ هـ. و اتمامش ۱۴ شوال ۱۳۱۳ هـ. می‌باشد. این که چرا خاطرات سال‌های بین ۱۲۹۸ تا ۱۲۹۳ هـ. نوشته نشده است و یا اگر نوشته شده، دلیل فقدان آنها چیست، از مسائلی است که ذهن عده‌ای از محققین تاریخ معاصر را به خود مشغول

داشته و هنوز علت این امر بر کسی روشن نیست. لازم به ذکر است که این خاطرات توسط حسین بزرگ‌نیاز زیر عنوان «خاطرات اعتمادالسلطنه» تصحیح و چاپ گردیده است. این روزنامه از آن جهت که اطلاعات ذی‌قیمتی در مورد اوضاع دربار دوره ناصری و شرایط اجتماعی، سیاسی، نظامی، جغرافیایی، اقتصادی و ... ایران آن زمان به دست می‌دهد بسیار ارزشمند و مهم است و از منابع اصلی دوره مزبور به شمار می‌آید.

۱۵. روزنامه‌های مرآة السفر و اردوی همایون

اثر فوق در ۹۶ صفحه با مقدمه‌هایی از عبدالله فردی و ایرج افشار توسط انتشارات گلشن در تهران چاپ و منتشر گردیده است.

۱۶. سالنامه ایران

این سالنامه در ۵۱ صفحه و به صورت چاپ سنگی در تهران به چاپ رسیده است و در مورد تاریخ ایران عصر قاجاریه و وزرای این دوره به صورت سالشمار مطالبی در آن درج گردیده است.

۱۷. صدرالتواریخ

موضوع کتاب، ذکر شرح حال صدر اعظم‌های

عصر نویسنده) را که توسط کوروش کبیر، داریوش کبیر، اشک اول، اردشیر بابکان، خسرو انوشیروان، شاه اسماعیل اول صفوی، نادرشاه افشار و آقا محمدخان قاجار، مورد بازخواست قرار می‌گیرند. آن هم به صورتی که وی این دادگاه را در حالت خلسه (خواب و بیخوابی) درک کرده است، تشریح می‌نماید. این کتاب در سال ۱۳۴۸ ش. برای اولین بار توسط محمود کتیرایی و به وسیله انتشارات توکا در تهران به چاپ رسید.

۱۲. خرنامه یا منطق الحمار

این کتاب براساس قصه‌های «صوفی سگور»^۷ نوشته شده است و شامل داستان‌های فارسی قرن ۱۳ هـ. می‌باشد. اثر فوق در ۲۲۰ صفحه به صورت مصور به کوشش علی دهباشی و توسط نشر کتاب پنجره چاپ و منتشر گردیده است.

۱۳. دررالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان

آن گونه که از نام کتاب بر می‌آید این کتاب در مورد تاریخ اشکانیان تألیف شده است و به کوشش نعمت احمدی در ۸۵۳ صفحه، همراه با تصاویری جالب، توسط انتشارات اطلس منتشر گردیده است.

حسن کاووسی عراقی در ۸۷ صفحه و زیر پوشش وزارت امور خارجه در تهران به چاپ رسیده است.

۴- خیرات حسان

نام دیگر این کتاب «مشاهیر النساء» نوشته محمد ذهنی افندی می باشد که اعتمادالسلطنه آن را از ترکی به فارسی ترجمه و مطالبی را به آن افزوده است. خیرات حسان در حقیقت، «تذکره‌ای» است در شرح احوال زنان مشهور و نامور مسلمان ایرانی و عرب. این کتاب در ۳ جلد به صورت چاپ سنگی، به خط محمد صادق شمس‌الکتابت و به انضمام فهرست اسامی سلاطین قاجار «در سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۰۵ و ۱۳۰۷ هـ. در تهران» به چاپ رسیده است.

۵- کاداستره

کاداستره ترجمه دیگری از اعتمادالسلطنه و در مورد زمین داری است که در ۱۱۹ صفحه و به صورت چاپ سنگی در سال ۱۳۰۷ هـ. در تهران به چاپ رسیده است.



اعتماد السلطنه در حضور شاه روزنامه می خواند.

ج - روزنامه‌ها:

در زمان ناصرالدین شاه، وزارتخانه‌ای به نام «وزارت انطباعات» به وجود آمد که به سه اداره روزنامه‌جات، دارالترجمه خاصه و دارالتالیف دولتی تقسیم می شد. آن گونه که پیش از این ذکر شد، اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۸۸ هـ. ق. وزیر انطباعات بود و به «صنیع الدوله» ملقب گردید و از این زمان تا سال ۱۳۱۳ هـ. (سال فوتش) تمام روزنامه‌ها، ترجمه‌ها، کتب و تالیفات در هر زمینه‌ای زیر نظر وی تحریر و چاپ می شده‌اند. اداره روزنامه‌جات، همه امور مربوط به تحریر و نشر روزنامه‌ها را تحت پوشش خود داشت و هر روزنامه، کتاب، نقاشان، تهذیب کاران و خطاطانی داشت و مستوفی و مدیر هر روزنامه مستقل از روزنامه‌های دیگر مشغول به کار بودند. در این قسمت از بحث به روزنامه‌هایی که به مدیریت اعتمادالسلطنه انتشار می یافته‌اند اشاره ای گذرا می نمایم.

۱- روزنامه ایران سلطانی

این روزنامه اولین روزنامه‌ای است که زیر نظر محمد حسن خان و در سال ۱۲۸۸ هـ. منتشر شده است.

۲- روزنامه شرف

اولین شماره شرف به مدیریت اعتمادالسلطنه در محرم سال ۱۳۰۰ هـ. در قطع رحلی و در ۴

اماکن مشهور خراسان در ۳ جلد به طبع رسیده است و جلد سوم به دو بخش تقسیم می شود که بخش اول در مورد رجال مشهد می باشد و بخش دوم به شرح احوال شعرا، مشاهیر و خطاطان این شهر پرداخته است.^۱ تالیف مزبور به اهتمام تیمور برهان لیموده‌ی و توسط نشر فرهنگسرا (یساولی) منتشر گردیده است.

ب - ترجمه‌ها:

۱- سرگذشت خانم انگلیسی در هندوستان کتاب فوق نوشته «فلیکس مییارد» می باشد که اعتمادالسلطنه آن را به فارسی ترجمه کرده است. نشر کتاب درنا این کتاب را که به اهتمام محمدرضا افشاری گردآوری شده در ۲۳۹ صفحه چاپ و منتشر نموده است.

۲- سفرنامه‌ی جنوب ایران

این سفرنامه نوشته بابن و ترجمه اعتمادالسلطنه می باشد. میرهاشم محدث آن را تصحیح و توسط انتشارات دنیای کتاب در ۲۱۳ صفحه به چاپ رسیده است. همچنین اعتمادالسلطنه براساس این سفرنامه کتابی به نام «احوال بلوک مال امیر (مال میر)» در ۱۷۰ تا ۱۸۳ صفحه تألیف نمود.

۳- شرح احوال سلطان عبدالحمید و اوضاع مملکت عثمانی

ترجمه اعتمادالسلطنه و با تصحیح و تحشیه محمد

شاهان قاجار از حاج ابراهیم خان کلانتر تا میرزا علی اصغر خان امین السلطان می باشد. صدرالتواریخ توسط محمد مشیری در ۳۳۵ صفحه تصحیح و انتشارات وحید آن را منتشر نموده است.

۱۸- مرآة البلدان

این تألیف در ۴ جلد و به صورت مصور تحریر یافته است. جلد اول شامل فرهنگ جغرافیایی شهرها و روستاهای ایران براساس معجم البلدان یاقوت حموی از حرف «الف» تا حرف «ت»، جلد دوم حاوی وقایع پانزده ساله سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، جلد سوم مشتمل بر وقایع هفده سال از سلطنت ناصرالدین شاه و جلد چهارم به شرح بلاد، روستاها، قصبات و غیره از حرف «ث» و «ج» پرداخته است. ملحقات و ضمیمه جلد چهارم شامل وقایع سال سی و سوم سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۹۲ هـ.) و حوادث عمده‌ای که در این یک سال همزمان در ایران و کشورهای دیگر روی داده است، می باشد. مرحوم دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث این تألیف از اعتمادالسلطنه را تصحیح نموده‌اند و انتشارات دانشگاه تهران آن را چاپ و منتشر کرده است. نوری و سپانلو نیز تصحیح دیگری برای این کتاب به انجام رسانیده‌اند.

۱۹- مطلع الشمس

این کتاب در مورد تاریخ و جغرافیای شهرها و

صفحه با دو تصویر به طبع رسیده است. مطالب این روزنامه به شرح حال رجال، سیاستمداران و هنرمندان ایرانی و غیر ایرانی اختصاص داشت و در آن به شرح پیشینه خانوادگی، مناصب، مشاغل و شخصیت افراد مذکور همراه با تصاویر نقاشی شده آنها پرداخته می‌شد و به ندرت مطالبی غیر از این در روزنامه مشاهده می‌گردد. نوشته‌های روزنامه را محمد حسن خان طرح‌ریزی و یا شخصاً می‌نوشته است و اگر کسان دیگری مطالب را تهیه می‌کردند، وی آن نوشته‌ها را می‌خواند و بعد از تصحیح و امضا برای تحریر به قسمت خطاطی روزنامه می‌فرستاد.^۱

۳- روزنامه علمی

این نشریه به صورت ماهیانه از سال ۱۲۹۳ هـ. تا ۱۲۹۷ هـ. با مدیریت اعتمادالسلطنه انتشار می‌یافت.

۴- روزنامه مریخ

موضوع مطالب مندرج در این روزنامه نظامی بود و از سال ۱۲۸۹ هـ. تا ۱۲۹۷ هـ. به سرپرستی وی و به طور ماهیانه منتشر می‌گردید.

تا اینجای بحث، نام تمامی آثار اعتمادالسلطنه که تا به امروز به چاپ رسیده‌اند و قابل دسترسی هستند ذکر و به طور اختصار معرفی شدند. حال جای آن است که در ذیل به آثار منتشر نشده وی نیز که به صورت خطی و یا چاپ سنگی در کتابخانه‌های شخصی و دولتی نگهداری می‌شوند اشاره‌ای هر چند کوتاه داشته باشیم:

۱. احوال بلوک مال امیر (تالیف ۱۳۰۲ هـ.).
- این کتاب براساس سفرنامه جنوب ایران اثر باین که خود اعتمادالسلطنه نیز مترجم آن می‌باشد، تحریر یافته است.
۲. اصطلاحات فرانسه.
۳. پولتیک حالیه روس و انگلیس در آسیا.
۴. تاریخ آستانه عراق.
۵. تاریخ اسکندر سوم (ترجمه)
۶. تاریخ چهل و دو ساله سلطنت ناصرالدین شاه.
۷. تاریخ خانواده رومانف (ترجمه)
۸. تاریخ سلاطین عثمانی.
۹. تاریخ سلماس.
۱۰. تاریخ قیصره (ترجمه)
۱۱. تاریخ مرو.
۱۲. تاریخ مغرب الاقصی (ترجمه)
۱۳. تاریخ نیکلای دوم (ترجمه)
۱۴. تاریخ سال ۱۲۶۹ هـ.

۱۵. سفرنامه دهوسه در جنوب ایران (ترجمه)
۱۶. توردومند (ترجمه)
۱۷. جغرافیای طالقان.
۱۸. حاجی بابا (ترجمه)
۱۹. رساله ختان.
۲۰. روزنامه سفر مازندران.
۲۱. ژغرافی
۲۲. سفرنامه تغلیس.
۲۳. شجره قاجار.
۲۴. شرح حال فضولی.
۲۵. شرح حال مادموزل مونت پانسیه (ترجمه)
۲۶. شرح حال ولتر (ترجمه)
۲۷. شرح حال و مدفن صدرالدین حموی.
۲۸. قصه زمره سلطان.
۲۹. قواعد نظام (رساله).
۳۰. قیراط الماس فی ترجمه سلماس.
۳۱. کاشف الکروب فی تاریخ الغرب.
۳۲. کتابچه انحصار تنباکو.
۳۳. کتابچه راه آهن انگلیس.
۳۴. کتابچه کشتی.
۳۵. کتابچه نظم دارالشورا.
۳۶. کشف الغرایب (در مورد کشف آمریکا).
۳۷. کشف المعایب انگلیس.
۳۸. مادام دوپاری (ترجمه).
۳۹. مسافرت طور سینا.
۴۰. ملا جعفر خروس باز.
۴۱. یزمتی

نظر نویسندگان و محققین در مورد تالیفات و آثار اعتمادالسلطنه

این مساله که آیا آثار پیش گفته تالیف شخص اعتمادالسلطنه بوده‌اند یا خیر از مسایل بسیار مهمی است که ذهن بسیاری از محققین تاریخ معاصر ایران را به خود مشغول داشته است. در این راستا ما نیز نظرات و آرای گوناگون عده‌ای از پژوهش‌گران را در این زمینه ذکر می‌کنیم. از میان یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه نیز می‌توان به نحوه فعالیت‌های علمی و ادبی‌اش پی برد. آن چنان که در مورد «المآثر و الآثار» می‌نویسد: «شنبه ۱۳ رجب ۱۳۰۶ هـ. کتاب «المآثر و الآثار» [را] که سراپا تاریخ ناصرالدین شاه و وقایع چهل و دو ساله سلطنت ایشان است [و] چهار سال است زحمت می‌کشم در تالیف این کتاب و حالا تمام شده، برداشته در خانه رفتیم»^۲

و یا در روز شنبه ۱۵ ربیع‌الاول سال ۱۳۰۷ هـ. بیان می‌کند که «امسال در کتاب «مآثر و الآثار» که به دستور من، شیخ مهدی نوشته و اسامی فضلا و شعرا این عصر را ثبت نموده ... خلاصه این کتاب را امسال شیخ مهدی ضایع کرد. از طرز موضوعی که من دستورالعمل دادم خارج کرده [است]. از هر کس تملق و طمعی داشته تمجید زیاد نموده [است].»^۳

این تناقض‌گویی‌های وی، پژوهشگران را در باب تشخیص و آرایه یک نظریه صحیح، دچار مشکل می‌نماید. مهدی بامداد در کتاب «شرح حال رجال ایران» در این زمینه چنین اظهار می‌دارد: «بنابر این گفته پس واضح و معلوم گردید که کتاب «المآثر و الآثار» از تالیفات حاج شیخ مهدی شمس‌العلمای عبدالرب آبادی قزوینی بوده است نه اعتمادالسلطنه و بنابراین مشروحات، یادداشت‌های مزبور (یعنی روزنامه خاطرات) و نیز خواب خلسه از تالیفات خود اوست و نسبت به سایر تالیفات منسوب به وی، دیگران دخالت تام داشته‌اند و کتب مطبوعه منسوب به اعتمادالسلطنه باید از کسانی باشد که تحصیلات و معلومات ادبی و عربی آنان بسیار خوب بوده است که از عهده تالیف چنین کتبی به خوبی بر آمده‌اند.»^۴ مرحوم دکتر عبدالحسین نوایی نیز در رد نوشته‌های بامداد، نظری بسیار جالب آرایه کرده است و می‌نویسد: «مهدی بامداد از این دو مطلبی که اعتمادالسلطنه درباره کتاب «مآثر و الآثار» نوشته توهّم تضادی کرده و چنین نتیجه گرفته است «پس واضح و معلوم گردید که کتاب المآثر و الآثار از تالیفات حاج شیخ مهدی شمس‌العلمای عبدالرب آبادی قزوینی بوده نه اعتمادالسلطنه». شگفتا که اعتمادالسلطنه در دفتر خاطرات خود که فقط برای دل خودش می‌نوشته تصریح می‌کند که چهار سال است برای تالیف این کتاب زحمت می‌کشم و در جای دیگر، باز در همان دفتر خاطرات تصریح می‌کند که کتاب را به دستورالعمل من، شیخ مهدی نوشته و با این که از طرز و موضوعی که دستورالعمل داده بودم خارج کرده است، اما باز مهدی بامداد به صورتی روشن سخنان مرحوم قزوینی را بازگو می‌کند (البته بدون ذکر مأخذ که شیوه‌ی همیشگی اوست) باز کتاب را به شیخ مهدی نسبت می‌دهد. ظاهراً مثل آن است که بامداد، خود «مآثر و الآثار» را ندیده است و به اعتبار

سخن علامه چنین اجتهادی می‌کند. اما اگر کسی این کتاب را دیده باشد می‌داند که در این کتاب فصل مسبوطی راجع به نوآوری‌های عصر قاجاری آمده است و از انواع گل‌ها گرفته تا کلمات و اصطلاحات علمی و... که تصور نمی‌رود کار شیخ مهدی عبدالرب آبادی باشد.^{۱۵} ایرج افشار نیز درباره تالیف المآثر و الآثار توسط اعتمادالسلطنه می‌گوید: «... موقعی که مقدمه «چهل سال تاریخ ایران» را می‌نوشتیم موارد و نکاتی را از متن «المآثر و الآثار» بیرون کشیدیم و به خوانندگان شناساندم... که بی‌تردید نمی‌تواند نوشته‌ی فردی غیر مسئول چون شیخ مهدی عبدالرب آبادی آن هم در روزگار سانسور شدید عصر ناصری باشد.»^{۱۶} مرحوم محبوبی اردکانی که یادداشت‌هایی بر ذیل کتاب المآثر و الآثار نوشته است با استفاده و استناد به مطالب «شرح حال رجال ایران» اثر مهدی بامداد، رای خود را در مورد نوشته‌ها و آثار اعتمادالسلطنه و شخصیت فرهنگی وی این گونه بیان می‌کند: «در زیر دست محمد حسن خان عده‌ای از فضلا نظیر میرزا محمد حسین فروغی (ذکاء الملک)، شیخ مهدی شمس‌العلمای عبدالرب آبادی و چند تن مترجم عربی و ترکی و هندی بودند که به دستور او و گاه به تعیین شاه به تحقیق در موضوعات علمی معمول در مشرق زمین و نوشتن کتاب می‌پرداختند و طبعاً این کتاب‌ها به نام او تمام می‌شد. اعتمادالسلطنه از معاشرت با این فضلا چیزی یاد می‌گرفت و طوطی‌وار به معلوماتش اضافه می‌شد. خلسه را هم به اغلب احتمال از جهت انشایی به نظر یکی از ادبای زیر دست خود رسانیده است. ادعاهایی هم که راجع به خواندن خط پهلوی و کوفی می‌کند لاف است و گزاف»^{۱۷} اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات، نام تالیفات و ترجمه‌های خود را ذکر نموده و این خود از شواهدی است که دست مورخ و محقق را در نتیجه‌گیری صحیح (البته نه به طور مطلق) باز می‌گذارد. لذا لازم است برای نمونه تعدادی از این یادداشت‌ها و اشارات وی آورده شود.

یادداشت روز دوشنبه ۱۹ محرم ۱۲۹۳ هـ. «میرزا جعفر قراجه داغی و میرزا ابوالقاسم شیرازی [را] که میرزاهای خود هستند همراه آوردم به جهت نوشتن کتاب «مرآة البلدان»...»^{۱۸}

یادداشت روز چهارشنبه ۲۳ ذی‌الحجه ۱۲۹۸ هـ. «تحریرات زیاد نمودم. شروع به «مرآة

البلدان» به جهت دو سال دیگر که اگر انشاءالله الرحمن زندگانی باشد باید چاپ شود، نمودم. حرف «ح» و «خ» نوشته می‌شود.»^{۱۹}

وقایع چهارشنبه ۱۲ محرم ۱۳۰۶ هـ. «از کارهای غریب این است که محمد تقی خان، خواهر زاده مخیرالدوله که مرد چرسی دیوانه‌ای است کتاب ژغرافیایی تالیف کرده و آن را «گنجینه دانش» نام نهاده، عیناً عبارات کتاب مرا که «مرآة البلدان» و «مطلع الشمس» باشد نوشته که من با زحمات زیاد این کتاب را تالیف کردم دزدی به این وضوح نشده. اگر چنانچه دو پسر چهارده ساله من می‌مرد به من گوارتر از این کار بود که کتاب مرا به اسم خودشان چاپ کنند.»^{۲۰}

اعتمادالسلطنه آن چنان که می‌دانیم محبوب همگان نبوده و نیست و طبق نظر مرحوم دکتر نوایی، اولین کسی که شخصیت وی را زیر سؤال برد و منکر تلاش‌های علمی و ادبی او شد علامه قزوینی (میرزا محمد خان قزوینی) بود. عده زیادی از نویسندگان و مورخین گفته‌های علامه قزوینی را الگو قرار داده‌اند و با استناد به آن وی را «بی‌سواد» خوانده و می‌خوانند، از جمله ادوارد براون که در کتاب «انقلاب مشروطیت ایران»، با الگوبرداری از نظر قزوینی، اعتمادالسلطنه را «شیاد»، «جاهل» و «بی‌سواد» معرفی کرده است.^{۲۱}

جنبه دیگر عدم محبوبیت محمد حسن خان آن است که وی «تاوان جنابت پدر» یعنی قتل امیر کبیر را می‌پردازد و بنا به قول مرحوم دکتر نوایی، بسیاری از بدگویی‌ها و «نقرت» از او «از همین جا نشأت می‌گیرد.»^{۲۲} حتی نویسندگان هم عصرش نیز با خوش بینی به اعمال وی نمی‌نگریستند. فریدون آدمیت و هما ناطق در کتاب «افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار»، قسمت‌هایی از رساله انتقادی «شیخ و شوخ» را نقل نموده‌اند که بخشی از آن به شخص اعتمادالسلطنه مربوط است و خالی از لطف نیست که چند سطری از آن رساله را با هم بخوانیم: «نامه دانشوران را ده نفر دیگر جان می‌کنند و می‌نویسند و فلان السلطنه... مصنف واقع می‌شود. پای هر مقاله‌ای و هر روزنامه‌ای امضای «م. ح. ص» [محمد حسن خان صنیع‌الدوله] دیده می‌شود. اگر به او بگویند: تو که سواد نداری، حکم اخراج بلد حاضر است چرا که مردک «مترجم حضور همایون» است،

... شما را به خدا قسم، کسی دیده است در هیچ دولت و در هیچ تاریخ، وزیر علوم بی‌سواد، وزیر انطباعات بی‌سواد، تقویم وقایع را چرا باید یک نفر بنویسد...»^{۲۳}. در زمانی که این رساله نگاشته شد محمد حسن خان وزیر انطباعات بوده است.

نتیجه:

با توجه به دیدگاه و نظرات مختلف نویسندگان و محققین تاریخ معاصر ایران درباره شخص اعتمادالسلطنه دانستیم که شخصیت وی به طور عمده از دو جنبه علمی - فرهنگی و سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱. شخصیت سیاسی: آن گونه که پیش از این ذکر شد، محمد حسن خان فرزند میرزا علی خان حاجب‌الدوله، قاتل امیر کبیر می‌باشد و همین بس که گناه پدر به پای پسر نگاشته شده و این ننگ تا به امروز گریبان گیر او است و این خود دلیلی است محکم و متقن بر پیش داوری‌ها و نفرت و کینه بسیاری از نویسندگان نسبت به اعتمادالسلطنه. از سویی، برخی وی را جاه طلب معرقتی می‌کنند که البته این امر ناشی از یادداشت‌های روزانه خود او است که از زمان انتشار پرفرمانی به دست بدخواهان و کینه‌توزان داد تا به طعن و لعن این مرد بزرگ زبان گشایند. و اگر نبود این روزنامه چه بسا که اینان جز توهمات هیچ در چنته نداشتند که بر او بتازند. گذشته از این، آیا می‌شود فردی را پیدا کرد که طالب مقام و ثروت نباشد و برای کسب آن تلاش نکند؟ باید پذیرفت که اعتمادالسلطنه از درباریان با نفوذ عصر ناصری بوده است که در زمان حیات خویش مشاغل بسیاری را تجربه نموده و حتی در یک زمان صاحب چند منصب بوده است و در این رابطه با دیگر درباریان رقابت نموده است. به عنوان مثال وقتی متوجه می‌شود که وزارت تجارت، خالی است و صدر اعظم و شاه به دنبال فردی برای این سمت هستند به تکاپو می‌افتد، آن چنان که خود در یادداشت جمعه ۱۷ رمضان سال ۱۳۰۱ هـ. می‌نویسد: «خانه صدراعظم رفتم. میرزا حسن منشی آنجا بود. گفت دیشب نصیرالدوله، آصف‌الدوله شد و حکمران خراسان. اگر وزارت تجارت را طالبی تعارفی به صدراعظم بده. دیگر من که هیچ به این صرافت نبودم به خیال افتادم عریضه‌ای به صدراعظم نوشتم. مبلغی به شاه و مبلغی هم به خود صدراعظم تعارف و پیش کش

وعده کردم ...»^{۲۵} مهدی بامداد از همین نوشته علیه خود او استفاده کرده است.^{۲۶}

۲. شخصیت علمی-فرهنگی: اعتمادالسلطنه از سوی برخی نویسندگان «بی سواد» خوانده شده است و تمامی آثار منسوب به او (جز معدودی) را نوشته دیگران می‌دانند و به نظر بعضی دیگر، وی فردی عالم و با سواد بوده است و تمام کتبی که نام وی بر آنها ثبت است شخصاً توسط او تحریر یافته‌اند. داوری در این مورد تا حدودی دشوار می‌نماید آن هم به سه دلیل:

الف- تحصیلات اعتمادالسلطنه در دارالفنون و فرانسه که با توجه به این امر نمی‌توان به راحتی او را «بی سواد» خواند.

ب- کثرت آثار مزبور و این که بدون مطالعه نمی‌توان به نتیجه‌ای صحیح (نسبتاً) دست یافت و ارایه یک رای درست در این زمینه متضمن غور و تفحص و بررسی دقیق هر یک از این کتب با توجه به موقعیت مکانی و زمانی می‌باشد و ناگفته نماند که بی طرفی

شرط لازم در رسیدن به هدف نهایی است.

ج- سخنان ضد و نقیض وی در یادداشت‌های روزانه‌اش که محققین بسیاری را دچار دوگانگی نموده است.

به هر روی، این که محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، شخصاً این تالیفات را به طبع رسانیده است یا به دستور وی نوشته شده‌اند اهمیت چندانی ندارد، مهم این است که وی در آن عصر بی‌خبری و استبداد با چه همتی به کار تالیف و تحریر پرداخته است و این اقدام او شایسته ستایش و تقدیر است. در آن دوره از تاریخ که سانسور شدیدی بر تمامی نوشته‌ها (از قبیل روزنامه، کتاب، رساله و ...) حکم فرما بود و کسی نمی‌توانست و جرات نمی‌کرد هر چه می‌خواهد بنویسد وی این جسارت را به خود داد و تمامی هم‌خویش را در این راه مبدول داشت. او در همین رابطه اذعان می‌دارد که حدود بیست سال در زمینه تالیف و ترجمه با موضوعات مختلف تلاش بسیار نموده است و در

یادداشت روز سه‌شنبه ۱۵ جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۳ هـ. می‌نویسد: «خواستم از برای بصیرت مردم، مختصر تاریخ فرانسه را با لویی چهاردهم ... بنگارم ... که ابداً ضرری به دین و دولت و ملت نداشت، نمی‌دانم به چه جهت میل مبارک [شاه] بر این اقتضا کرده که این کتب جمع شود.»^{۲۷}

خدمات فرهنگی و جد و جهت بسیار وی در جهت ارتقای سطح آگاهی و دانش هم‌میهنانش را نباید نادیده گرفت و اگر او نیز مانند بسیاری از هم‌عصران خویش از این وظیفه خطیر شانه خالی می‌کرد، معلوم نبود امروز ما با چه خلاء بزرگی در زمینه منابع تاریخی عهد قاجاریه مواجه بودیم. پس بهتر آن است که به جای عیب‌جویی و خرده‌گیری از چهره‌های فرهنگی چون اعتمادالسلطنه در پی شناسایی تفکرات و اندیشه‌های آنان با توجه به شرایط زمانی و مکانی آنها باشیم و با دیدی انتقادی آثارشان را مورد بررسی قرار دهیم.

پی‌نوشت:

۱. این پسر، حاصل ازدواج ناصرالدین شاه و جیران فروغ السلطنه بوده است.
۲. مقدم السفرا: کسی بوده که سفرا را به حضور شاه هدایت و معرفی می‌کرده است.
۳. اعتمادالسلطنه: چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، ج اول، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸)، ج دوم، صص ۵۲۳-۵۲۰ و نیز مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج چهارم، (تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱)، ج سوم، صص ۳۳۷ و ۳۳۳ و ۳۳۰.
۴. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه‌ی خاطرات، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار، ج پنجم، (تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹)، صص هشت.
۵. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، به کوشش، محمود کتیرایی، جلد دوم، (تهران، انتشارات توکا، ۱۳۵۷)، صص ۱۰.
۶. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، به کوشش ایرج افشار، ج اول، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳)، ج اول، صص ۶.
۷. کنتس، د. سگور، نویسنده‌ی فرانسوی (قرن ۱۹ و ۱۸) که کتاب‌هایی برای جوانان تألیف نموده است. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱۳، (تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸)، ج ۵، صص ۷۷۶.
۸. عزیز الله بیات، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، ج اول، (تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱)، ج دوم، صص ۳۱۱.
۹. عزیز الله بیات، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، ج اول، (تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۷)، ج دوم، صص ۳۱۱.
۱۰. روزنامه‌های ایران سلطانی، علمی و مریخ به صورت چاپ سنگی در کتابخانه‌ی شماره یک مجلس شورای اسلامی، نگهداری می‌شوند و به همین دلیل به آسانی قابل دسترس نمی‌باشند. اما روزنامه‌ی شرف به صورت افست در این کتابخانه موجود است، به همین خاطر دستیابی به آن آسان تر بود. در نتیجه اطلاعات نگارنده در مورد این نشریه بیشتر است و به اطلاع خواننده‌ی محترم می‌رسد.
۱۱. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار، ج ۵، (تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹)، صص هجده و نیز از همین نویسنده، المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، به کوشش ایرج افشار، ج اول، (تهران، اساطیر، ۱۳۶۳)، ج اول، صص ۶.
۱۲. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار، ج پنجم، (تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹)، صص ۶۲۴.
۱۳. همان، صص ۶۷۰.
۱۴. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج چهارم، (تهران، زوار، ۱۳۷۱)، ج سوم، صص ۳۳۵.
۱۵. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، ج (؟)، (توان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷)، ج اول، صص بیست و دو و بیست و سه.
۱۶. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، به کوشش ایرج افشار، ج اول، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸)، ج دوم، صص هشت.
۱۷. همان، صص ۵۲۲.
۱۸. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار، ج پنجم، (تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹)، صص ۵۸.
۱۹. همان، صص ۱۲۹.
۲۰. همان، صص ۱۲۹.
۲۱. پدر علامه یعنی عبدالوهاب قزوینی از کسانی بود که در دارالتالیف، زیر نظر اعتمادالسلطنه به کار تالیف و تحریر مشغول بود.
۲۲. انوار برآون، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه‌ی مه‌ری قزوینی، ج اول، (تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۶)، صص ۳۳۸.
۲۳. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، ج (؟)، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷)، ج اول، صص سی.
۲۴. فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوران قاجار، ج اول، (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۶)، صص ۱۵۲ و ۱۵۱.
۲۵. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار، ج پنجم، (تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹)، صص ۳۰۸.
۲۶. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج چهارم، (تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱)، ج سوم، صص ۳۳۷.
۲۷. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، پیشین، صص ۱۰۴۳.

۱۳
تاریخ و فرهنگ